



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۶/۱۸

رفعت حسینی

فتور درونمایه در شعر پارسی

باین شعر پرتو نادری و مفهوم سرشار از فرهنگ انسانی آن دقت نمایید و اندکی بیندیشید:

در روزگار ما،

عاشقان خدا سنگواره شده اند

و دیگر هیچ پرنده‌یی

در هوای دیدار سیمرغی پر نمی‌زند

و خدا از مسجد من تا مسجد تو

هزار چهره دیگر گونه دارد.

(پرتو نادری)

اگر شعر پارسی از آغاز تا امروز، چنین درونمایه های گرانمایه یی می داشت، کاستی های بسیار، بسیار فراوان و بی شمار امروزی، در شیوه و روش و سیستم سخنوری این لسان، هرگز و هیچگاه، وجود نمی داشت.

در شعر جغرافیای ایران - افغانستان - تاجکستان، شعر ستایشی برای چپاولگران و جلالت بخشی به ستم و آشوب و بزرگداشت از جنایات اجتماعی، در واقع زبونی، سستی، فتور، ناتوانی سترگ فرهنگ مدنی می باشد.

مقایسه نمایید این شعر پرتو نادری را با شعرسفیهانه استغاثی خلیل الله خلیلی برای زمامدار پاکستان ضیاالحق، سروده مدحیه (جلف)، بیگانه با فرهنگ انسانی و «یاوه» حیدری وجودی برای فهمیم قسیم (از ایجادگران جنایات مافیای مجاهدین اسلامی در افغانستان و منطقه)، و با مدحیه های عنصری تبارها برای مستبدین...